

Journal of research in persian language and literature



The teachings of Qur'anic verses and hadiths in the Anvari's Qit'ahs

Zahra Asgari

Associate Professor, Islamic Azad University, Zanjan Branch

Toraj Oghadaei

Associate Professor, Islamic Azad University, Zanjan Branch

ABSTRACT

Keywords:

Anvari
Qur'an
Hadith
Qit'ahs, Influence.
Aesthetic

Corresponding author

✉ dr.askari.zahra@gmail.com

The use of the Qur'an and Hadith by Persian speakers dates back to the mid-3rd century AH, a period during which poetry served as a medium for religious preaching, moral instruction, and soon after, became a reflection of mysticism and Sufism. During this era, the incorporation of Qur'anic and Hadith teachings as the foundational sources of these concepts expanded and persisted in Persian poetry and literature. Anvari, who lived in the 6th century AH, not only mastered the common sciences of his time but also employed verses from the Qur'an, Hadiths, stories, and parables in his works. This study aims to explore the methods and techniques Anvari used to incorporate Qur'anic and Hadith teachings in his poetic compositions. The data for this research were collected through library resources and analyzed using a qualitative descriptive method. The study concludes that Anvari demonstrated moderation in his use of Qur'anic verses and Hadiths. Furthermore, he employed them both to reinforce meaning and to embellish his speech. Despite Anvari's profound knowledge of Qur'anic sciences and Hadith, his verses reflect a greater reliance on the Holy Qur'an than on the sayings of the Prophet. Among the rhetorical devices employed, *iqtibas* (direct allusion) appears most frequently, while *tazmin* (inclusion of external verses) is the least common. Moreover, drawing upon the teachings of the Qur'an and Hadith, Anvari not only extols the virtues of his subjects through vivid similes and descriptions but also satirically portrays the disorders of society. His ability to weave novel and imaginative themes from within the sacred texts is likewise worthy of deep.

DOI: 10.48310/rpllp.2025.19660.1234

Received: 1403/10/15

Reviewed: 1403/12/11

Accepted: 1404/02/14

PP: 24

Citation (APA): Asgari, z and et al (2025). The teachings of Qur'anic verses and hadiths in the Anvari's Qit'ahs. *The Journal of Theory and Practice in Teachers Education*, 6(1), 115-138.

 [https://doi.org/ 10.48310/rpllp.2025.19660.1234](https://doi.org/10.48310/rpllp.2025.19660.1234)



آموزه‌های آیات و احادیث در قطعات انوری

زهرا عسگری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

تورج عقدایی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

مقاله پژوهشی

چکیده

سابقه بهره‌گیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به نیمه قرن سوم هجری می‌رسد. دوره‌ای که شعر در خدمت تبلیغ دینی قرار می‌گیرد و بستری برای پند و اندرز و ترویج اخلاق و اندکی بعد جلوه‌گاه عرفان و تصوف می‌شود. در این دوره استفاده از قرآن و حدیث به‌عنوان خاستگاه این مفاهیم در شعر و ادب پارسی گسترش و تداوم می‌یابد. انوری در سده ششم هجری می‌زیست و در آثارش علاوه بر علوم متداول زمان خود از آیات و احادیث و قصص و تمثیلات استفاده می‌کرد. در این پژوهش کوشیده‌ایم، شیوه‌ها و شگردهای انوری را در استفاده از آموزه‌های قرآن و حدیث در قطعاتش نشان دهیم. داده‌های این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای به دست آمده و با روش کیفی توصیف شده است. در این بررسی این نتیجه حاصل شد که انوری در بهره‌گیری از آیات و احادیث اولاً اعتدال دارد، ثانیاً از آیات و احادیث هم برای تقویت مفاهیم و هم برای مزین کردن سخن خود استفاده کرده است. با وجود اشراف انوری بر علوم قرآن و حدیث بهره‌مندی او از آیات قرآن کریم در قطعاتش بیش از احادیث است. اقتباس بیشترین نمود و تضمین کمترین نمود را در قطعات وی دارد. همچنین انوری با استفاده از آموزه‌های قرآن و حدیث علاوه بر تشبیه و توصیف ممدوح، نابسامانی‌های جامعه را در قالب طنز به تصویر کشیده است. آفرینش مضامین نو و خیال‌انگیز از لابه‌لای آیات و احادیث نیز در خور تأمل است.

DOI:

10.48310/rplp.2025.19660.1234

واژه‌های کلیدی:

انوری
قرآن و حدیث
قطعات
اثر پذیری
زیبایی شناختی

۱. نویسنده مسئول

dr.askari.zahra@gmail.com ✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

شماره صفحات: ۲۴

۱. مقدمه

دوره حیات انوری در سده ششم هجری و نضج رواج اشارات مختلف آیات و احادیث و قصص و تمثیلات در آثار ادبی است. تاریخ ادبیات ما نشان می‌دهد که پس از قرن دوم هجری و با گذشت زمان سخنوران و ادیبان در گستره وسیعی از شعر و ادب پارسی و آثارشان از اشارات مختلف آیات و احادیث و قصص قرآنی متأثر شده‌اند. گسترش تصوف و عرفان در قرن‌های چهارم و پنجم باعث شد که ادبا و نویسندگان این دوره و دوره‌های بعد تحت‌تأثیر اندیشه‌های تصوف و عرفان قرار گرفته و این اندیشه‌ها و ملزومات آن که از جمله آیات و احادیث قرآنی هستند، در آثارشان منعکس گردد. اگر چه در اشعار شاعران سده پنجم مانند فرخی، عنصری و منوچهری توجه به اساطیر ایرانی زیاد بوده؛ اما استفاده از قصص قرآنی نیز در اشعار شاعران این دوره نضج گرفته است. در این دوره و پس از غلبه غزنویان بر ایران از رواج قصص ایرانی در آثار ادیبان و شعرا کاسته شده و در نیمه دوم سده پنجم هجری (۵۵۲-۴۲۹) که سلجوقیان بر ایران تسلط یافتند فرهنگ اسلامی در این دوره بیش‌ازپیش رواج یافت و تلمیحات اسلامی و قرآنی در آثار شاعران فرونی‌یافته است. «در سده ششم هجری به علت رواج یافتن علوم همچون تفسیر و کلام و دیگر علوم دینی، اشارات قرآنی در دیوان‌های شاعران و آثار نویسندگان بسیار زیاد شد به‌طوری‌که انوری در دیوانش شعر تماماً تلمیح درباره حضرت سلیمان دارد. این دوره و دوره‌های بعد از آن اوج استفاده از قرآن در اشعار فارسی شاعران طرفدار سبک عراقی است» (نساجی زواره، ۱۳۸۶: ۶۱).

نظر به آن که انوری از شاعرانی است که توجه زیادی به آوردن معانی و مضامین دقیق در اشعار خود داشته و بر اکثر علوم متداول زمان خود همچون تفسیر و حدیث تسلط دارد، در بررسی قطعات انوری ردپای تأثیرپذیری از آیات و احادیث در قطعات وی به‌خوبی مشهود است. حلبی در کتاب تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی در اذعان به این نکته می‌گوید: «انوری گذشته از علوم عقلی که صریحاً به دانستن آنها اعتراف می‌کند در علوم قرآنی به‌ویژه تفسیر و حدیث نیز ید طولایی داشته است و مانند ناصر خسرو از آیات و احادیث به انواع گوناگون استفاده کرده است» (حلبی، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

۱-۱. پیشینه پژوهش

بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر آثار ادبی از زمینه‌های مهم مطالعه پژوهشگران بوده است و شاعران و ادیبان نیز پیوسته از این دو سرچشمه حیات‌بخش الهی بهره‌مند گشته‌اند. در این خصوص کتاب‌های فراوانی تألیف شده که از آن جمله می‌توان به کتبی چون «تجلی قرآن

و حدیث در شعر فارسی» از سید محمد راست گو «پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی» از محمد رضا راشد محصل و «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» از علی اصغر حلبی اشاره کرد. همچنین در این زمینه مقالات متعددی نگاشته شده و آثار بسیاری از شاعران از جنبه تأثیرپذیری ایشان از آیات و احادیث بررسی شده است. از جمله مقاله تأثیرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و حدیث از اسماعیل نساجی زواره، «زمینه‌های تأثیر قرآن بر زبان و ادب فارسی» از سید حیدر علوی‌نژاد، «تأثیر قرآن و حدیث بر رودکی» از ناصر جان‌نثاری، «رویکردهای مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی» از محسن ذوالفقاری و بسیاری مقالات دیگر که در این پژوهش مجال پرداختن به آنها نیست. در زمینه تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در قطعات انوری پژوهشی صورت نگرفته و این تحقیق اولین پژوهش در این زمینه محسوب می‌شود.

۱-۲. روش پژوهش: داده‌های این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای به‌دست آمده و با روش کیفی توصیف شده است.

۱-۳. سؤالات پژوهش:

- در این مقاله کوشیده‌ایم تا در حد امکان پاسخی برای پرسش‌های ذیل بیابیم:
- ۱- آیات و احادیث و قصص و تمثیلات قرآنی در قطعات انوری چه جایگاهی دارد؟
 - ۲- دلایل رویکرد انوری به بهره‌وری از آیات و احادیث چیست؟
 - ۳- شیوه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث در قطعات چگونه است؟
 - ۴- انوری از کدام صنایع شعری در طرح هنرمندانه آیات و احادیث بیشتر بهره‌جسته است؟

۱-۴. فرضیه‌ها:

- ۱- انوری بر علوم قرآنی اشراف داشته و از آیات و احادیث به انواع گوناگون استفاده کرده است.
- ۲- تشبیه و توصیف ممدوح و به چالش کشیدن تناقض‌ها و رفتارهای نامطلوب حاکمان جامعه با استفاده از ابزارهای ادبی و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، در قالب طنز از جمله دلایل رویکرد انوری به بهره‌وری از آیات و احادیث است.
- ۳- انوری برای طرح‌کردن زیبایی‌شناختی آیات و احادیث در شعر خود، از صنایع ادبی مختلفی چون تلمیح، اقتباس، اشاره، ترجمه و تضمین استفاده کرده است.
- ۴- اقتباس از آیات و احادیث بیشترین نمود و تضمین کمترین نمود را در قطعات وی دارد.

۲. بحث و بررسی:

- ۱- دلایل اثرپذیری و بهره‌وری از آیات و احادیث

اثرپذیری و بهره‌وری انوری از آیات و احادیث را می‌توان در دو مقوله رویکرد اجتماعی و رویکرد فردی موردبررسی قرار داد. دگرگونی شرایط تاریخی و اجتماعی و معیارهای حاکم بر آداب و رسوم دربارها، تحول باورها نگرش‌ها و اعتقادات حاکمیت مسلط بر جامعه و استبداد مذهبی سلجوقیان و غزنویان، گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و بازتاب آن در آثار نویسندگان و ادیبان، تمسک به قرآن و اسلوب آن که معیار فصاحت و بلاغت است و رونق و رواج گسترده زبان عربی در همه جای ایران و نیز توسعه مجالس وعظ و شیوع عرفان و صوفی‌گری که مبتنی بر بیان اسرار قرآن و احادیث نبوی بود، از دلایل اجتماعی این رویکرد بوده است. همچنین تسلط انوری بر علوم دینی و نیز گرایش خاص وی به شعر مدیح که «از دیرباز مداحی انوری مظاهر اصلی کمال هنر او تلقی می‌شده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۴: ۸۲) و کاربرد عبارت‌ها و مضمون‌های دینی معیاری برای بهره‌کشیدن توانایی‌ها و مهارت‌های خود در هر چه بهتر ستودن ممدوح در برابر سایر رقبا برای دریافت بیشتر صله از ممدوحان است، از دلایل فردی رویکرد انوری به کاربرد تعابیر و مضامین و ترکیبات قرآنی در اشعارش به شمار می‌آید.

«شاعران و نویسندگان، علاوه بر این که دریافت معانی قرآن و حدیث و اطلاع بر مضمون آنها، از شرایط کارشان بوده است، ناگزیر بوده‌اند برای پذیرش سخن خود و تأثیر آن، مضمون‌های بکر و بدیعی بجویند که از جنبه‌های مختلف بتواند ممدوحان را تحت تأثیر قرار دهد تا بر مراتب و مواجب آنان بیفزایند» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۱)؛ علاوه بر این کاربرد تعابیر قرآنی و استشهاد و تمسک به آیات و احادیث علاوه بر آراستن کلام به واسطه تقدس و حرمت آیات و احادیث، موجب انتقال بهتر و عمیق‌تر معنا به مخاطب بوده است «بهره‌گیری و اثر پذیری شاعران پارسی‌گو از قرآن و حدیث در شعر علاوه بر این که نشانه دانشمندی و علم اندوزی و روشنفکری بود و گونه‌ای افتخار برای گوینده شمرده می‌شد، به دلیل قداست و حرمت مذهبی و معنوی قرآن و حدیث به شعر نیز گونه‌ای قداست و حرمت می‌بخشید» (راست‌گو، ۱۳۸۶: ۶).

۲- شیوه‌های اثر پذیری از قرآن و حدیث در قطعات انوری

قرآن «همان‌گونه که نخستین سرچشمه همه آموزه‌ها و معارف اسلامی و توحیدی است، نخستین خاستگاه عرفان اسلامی نیز هست و بسیاری از آیات آشکارا بینش و باورهای عرفانی را بازمی‌تاباند» (راست‌گو، ۱۳۸۳: ۲۸). در اکثر آثار مکتوب فارسی به‌ویژه از نیمه دوم قرن پنجم هجری به بعد شاعران با شیوه‌های مختلفی همچون تلمیح، اقتباس، اشاره، تضمین و یا با به‌کاربردن صنایع شعری (تشبیه، استعاره، کنایه، ضرب‌المثل و...) کلام خود را به آیات قرآن کریم و احادیث مزین کرده‌اند و برای طرح‌کردن زیبایی‌شناختی آیات و احادیث در شعر خود از این شیوه‌ها بهره‌مند شده‌اند. انوری نیز در قطعات خود با بهره‌مندی از این شیوه‌ها کلام شیوای

خود را به آیات و احادیث مزین کرده و بر غنای سخن خود افزوده است. علاوه بر این، اثرپذیری واژگانی و اثرپذیری ساختاری با خاستگاه قرآنی از دیگر شیوه‌هایی است که انوری در قطعات خود از آن تأثیر پذیرفته است. در بررسی قطعات وی گونه‌های اثرپذیری او را در دو بخش کاربرد صنایع شعری و اثرپذیری ساختاری و واژگانی با شرح مختصری از هریک از گونه‌ها در سطور ذیل طبقه‌بندی کرده‌ایم:

کاربرد صنایع شعری

ارسال المثل - تمثیل

«ارسال المثل آن است که در سخن مثل مشهوری ذکر شود یا عبارتی از حکمت و غیر آن آورده شود که تمثیل به آن نیکو نماید. عبدالخالق میهنی از علمای بلاغت در تعریف مثل گفته است: مثل سخنی پسندیده و کوتاه بود کی به روزگار در واقعه‌ای گفته باشند و امروز همان عبارت بر امثال آن می‌رانند» (انوری، عالی یوسف‌آباد، ۱۳۹۳: ۹۵).

علم را زینها علم هرگز کجا گردد نگون رفتن بازار نارد رخنه در پیغمبری (۱۸/۴۵۸)
وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا وَ
گفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، چرا فرشته‌ای به‌سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد (الفرقان: ۷) «مضمون نیم بیت دوم مأخوذ است از آیه ۸ سوره فرقان درباره خردگیری مشرکان به رسول اکرم که می‌گفتند او چگونه پیغمبر است که چون دیگر مردمان می‌خورد و راه می‌رود و گفتند چیست این پیغمبر را که خوردنی می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، چرا با او فرشته‌ای نیامده است تا با او بیم‌دهنده‌ای باشد (شهیدی، ۱۳۶۴: ۵۶۹).

اشاره

«اشاره آن است که متکلم در لفظ اندک معنی بسیار آورد (انوری، عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۰۰). اشاره ممکن است به آیه، حدیث، داستان یا غیر آن باشد. انوری با کاربرد این آرایه در بسیاری از بیت‌ها زیبایی سخن خود را دوچندان کرده است:

«حُرِّمَتْ عَلَيَّكُمْ»

از «حُرِّمَتْ عَلَيَّكُمْ» او تا به قد سلف هرچ از تبار اوست پلیدست و روسبی (۳/۱۰۰)
«حُرِّمَتْ عَلَيَّكُمْ» مأخوذ از (النساء: ۲۳) رضوی در توضیح این بیت گفته «مقصود حکیم از این بیت آن است که تمام بستگان و اقوام تو که در این آیه از اول تا آخر ذکر شده است همه پلید و بدکاره و فاحشه اند» (رضوی، ۱۳۴۰: ۱۱۲۱).

«كَرَّمْنَا»

غرض ذات تو بود ارنه نگشتی
وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا ابر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (الإسراء: ۷۰) علاوه بر ابیات فوق انوری به عبارت‌های «وَأُولَى الْأَمْرِ» در ابیات (۷/۳۷۸) (۹/۳۷۸) مأخوذ از آیات (النساء: ۵۹-۵۸) «مجمع‌البحرین» در ابیات (۴/۳۹۴) (۲/۳۹۸) مأخوذ از آیه (الکهف: ۶۰) «فالق الاصباح» در بیت (۲/۳۹۸) مأخوذ از آیه (الأنعام: ۹۶) «خَلَقْتُ بَيْدَيَّ» در بیت (۸/۴۵۰) مأخوذ از آیه (ص: ۷۵) «الست» در بیت (۱۱/۴۵۰) مأخوذ از آیه (الاعراف: ۱۷۲) اشاره کرده است.

اقتباس

«اقتباس آن است که کلام متضمن آیه یا حدیثی باشد، اما بدون آن که اشاره نمایند که این از قرآن یا حدیث است، بلکه از سوق کلام چنان مستفاد شود که مجموع، یک کلام است» (رامی تبریزی، ۱۳۴۱: ۱۶۴) «و در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام‌الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (همایی، ۱۳۷۱: ۳۸۳) اسلوب اثرپذیری انوری از آیات قرآن و احادیث در ابیات زیر به شیوه اقتباس از آیات و احادیث بوده است:

«تعبیر قرآنی «ولوشینا»

سایه افتاب حکمت او
یافت از مشرق «و لوشینا» (۲/۱)
«ولوشینا» صورت دیگری از «وَلَوْشِنَا» است که در چندین آیه از آیات قرآنی به‌کاررفته و معنی آن «اگر می‌خواستیم» است و در تمام این آیات اراده و مشیت الهی موردنظر است. سیدجعفر شهیدی در توضیح این عبارت می‌نویسد: «ولوشینا»، مأخوذ است از آیه ۱۷۵ سوره اعراف: وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ و اگر می‌خواستیم همانا بالا می‌بردیم او را بدان، ولی او جای گرفت در زمین و پیروی کرد هوای خود را و یا آیه ۱۳ سوره سجده: وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا (و اگر می‌خواستیم همانا داده بودیم هر نفسی را رستگاری‌اش را) (شهیدی، ۱۳۶۴: ۵۳۶) «ولوشینا» همچنین در بیت‌های (۱/۲) و (۵/۴) در همین معنا به کار رفته است.

«تعبیر قرآنی «روح قدس»

در تک چاه جهل چون مانی
مسکنت «روح قدس» مسکینا (۵/۱)
واژه «روح‌القدس» چهار بار در قرآن مجید آمده که گاه درباره حضرت عیسی (علیه‌السلام) (بقره: ۸۷) و گاه درباره پیامبر اسلام (ص) (نحل: ۱۰۲) است. روح قدس: یا روح قدسی. مخفف

روح القدس عربی است؛ یعنی جبرئیل. شفیع کدکنی در توضیح این ترکیب می نویسد: «آسایشی که در عالم ارواح و قدسیان وجود دارد که در آن جا از رنج خبری نیست. اگر کلمه را روح قدسی بخوانیم صورتی خواهد بود از «روح القدس» تعبیر قرآنی که کنایه از جبرئیل است و در آن صورت به معنی همنشینی باید گرفت» (کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۰۴) در بیت (۴/۲) نیز این تعبیر به کار رفته است. علاوه بر تعبیر قرآنی فوق انوری در ابیات زیر برای زیبا کردن سخن خود تعبیر زیر را از آیات قرآن اقتباس کرده است. تعبیر قرآنی «طینا» قطعه (۶/۴) (الاسراء: ۶۱) تعبیر قرآنی «جاهدوا» قطعه (۷/۴) (العنکبوت: ۶۹) تعبیر قرآنی «قضى» قطعه (۳/۸) (بقره: ۱۰۲) تعبیر قرآنی «قَدُّدِر» قطعه (القمر: ۱۲) تعبیر قرآنی «جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ» قطعه (۴/۸) (القمر: ۷) تعبیر قرآنی «مَاءٍ مُنْهَمِرٍ» قطعه (۶/۸) (القمر: ۱۱) تعبیر قرآنی «جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ» قطعه (۶/۸) (الکهف: ۱۰۷) تعبیر قرآنی «یوم الحساب» قطعه (۳/۱۰) (ص: ۲۶)، (ص: ۱۶)، (ص: ۵۳)، (ابراهیم: ۴۱)، (غافر: ۲۷) تعبیر قرآنی «کاف کن فکان» در قطعه (۲/۳۷) و قطعه (۲/۱۸۰) (یس: ۸۲) تعبیر قرآنی «شهاب ثاقب» قطعه (۵/۴۱) و (۱/۱۹۶) و (۶/۷۸) (الصافات: ۱۰) تعبیر قرآنی «نصر من الله» قطعه (۱۳/۶۳) (الصف: ۱۳) تعبیر قرآنی «نفخ صور» قطعه (۸/۶۸) (طه: ۱۰۲) تعبیر قرآنی «بل هم اضل» قطعه (۴/۱۰۶) (اعراف: ۱۷۹) تعبیر قرآنی «نسیج العنکبوت» قطعه (۶/۱۳۶) (العنکبوت: ۴۱) تعبیر قرآنی «رمیم» و «رُفَات» قطعه (۵/۱۴۱) (الاسراء: ۴۹) تعبیر قرآنی «ولله الحمد» قطعه (۲/۱۹۲) (الجاثیه: ۳۶) تعبیر قرآنی «سلام علیکم» قطعه (۳/۳۲۸) و (۳/۲۲۳) (الرعد: ۲۴) و (نحل: ۳۲) تعبیر قرآنی «یوم الدین» قطعه (۳/۳۹۸) (الواقعه: ۵۶) و (ص: ۷۸) و (الإنفطار: ۱۸) تعبیر قرآنی «جنت نعیم» قطعه (۹/۴۳۵) (الشعراء: ۲۶) و (المعارج: ۳۸) و (الواقعه: ۸۹) تعبیر قرآنی «جنت مأوی» قطعه (۹/۴۳۵) (السجدة: ۱۹) و (النجم: ۵۳) تعبیر قرآنی «خلقته بیدی» قطعه (۱۴/۴۷۱) (ص: ۷۵) تعبیر قرآنی «حي» قطعه (۱۷/۴۷۱) (آل عمران: ۲).

ترجمه

برگرداندن آیه یا حدیث به صورتی است که خواننده را به اصل متن راهنما باشد و ظرفیت بازگشت به صورت اولیه را هم داشته باشد (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۳۲) انوری در ابیات زیر با ترجمه آیات و احادیث در زیبایی آفرینی سخن خود بهره مند شده است:

نعمت آن راست زیادت که همه شکر کند تو نه ای از در نعمت که همه کفرانی (۲۲۹/۴۷۹)
ز شکر گردد نعمت بر اهل نعمت بیش به صبر گردد محنت بر اهل محنت کم (۲/۳۵۸)
«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرده که اگر واقعا سپاسگزاری کنید نعمت شما را افزون خواهد کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود (ابراهیم: ۷)

به خدایی که بازگشت بدوست که مرا بازگشت نیست به می (۱/۴۷۱)

مصرع اول ترجمه آیه «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم (بقره: ۱۵۶)
 به خدایی که قائمست به ذات
 نه چو ما بلکه قایم و قیوم (۱/۳۶۹)
 ترجمه آیه: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ خداست» که هیچ معبودی جز او نیست و زنده و پاینده است (آل عمران: ۲)

تضمین

«تضمین چنان است که گوینده‌ای به مناسبت، بیت، مصرع و گاه ابیاتی از شاعر دیگر را در اثر خود بیاورد» (انوری، عالی عباس‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۴۷) این اصطلاح ادبی در قطعات انوری به صورت ذکر یک آیه به صورت کامل و یا بخشی از آیه در یک مصرع به کار رفته است. فراوانی ذکر آیات و یا بخشی از آنها در قطعات نشان می‌دهد که اولاً انوری در علوم و فضایل قرآنی متبحر است و ثانیاً از تضمین نه تنها برای آرایش کلام خویش، بلکه غالباً برای القاء اندیشه و تقویت معنا استفاده کرده است.

«يَسْأَلُ الْإِنْسَانَ إِلَّا مَا سَعَى»

همچنین فرمود ایزد در نبی
 وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (النجم: ۳۹)
 «سدره منتهی»

یعنی که گرم ز روی تمکین
 عبارت سدره منتهی مأخوذ از آیه: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ نَزْدِيكَ سَدْرُ الْمُنْتَهَىٰ» (النجم: ۱۴)
 «إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى»

«ان قارون كان من قوم موسى»
 «إِنْ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ». قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی دارد (القصص: ۷۶)
 علاوه بر نمونه هایی که به عنوان شاهد مثال آورده شد در ابیات زیر نیز انوری تضمین به آیات قرآن داشته است: «لا اله الا الله» (۷/۴۰۱) و (۷/۴۵) (الصفات: ۳۵)، انوری به کلمه توحید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ که اساس اسلام است در چند بیت اشاره کرده و در (۷/۴۰۱) با توصیف زیبایی آن را کلامی می‌نامد که «مهر ایمان» است. «ربنا انزل علينا مائدة» (۳/۴۱۶) (۱۴: المائدة)، «تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» (۲/۴۱۹)، (النازعات: ۱۲)، «و من الماء كل شيء حي» (۱۶/۴۵۰) (الأنبياء: ۳۰)، «لم تكونوا بالغية الا بشق الا نفس» (۲/۴۶۳) (النحل: ۷)، «عالم السر و الخفيات» (۱/۴۲) (طه: ۲۰).

تلمیح

در لغت به «گوشه چشم اشاره کردن» است و در فن بدیع عبارت از این است که «نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای یا حدیثی (یا قصه‌ای یا مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند، بی آن که صریحاً متذکر استفاده خود باشد» (حلبی؛ ۱۳۷۲: ۴۶). تلمیح از امکاناتی است که شاعر به کمک آن نقش خیال‌انگیزی شعر را به ظرفیت‌های معناآفرینی آن پیوند می‌زند. «آوردن تلمیح در شعر و نثر به زیبایی کلام می‌افزاید؛ زیرا اولاً تناسب و رابطه‌ای میان مطلب اصلی برقرار می‌سازد؛ ثانیاً در تلمیح با واژه‌ای یا جمله‌ای، داستانی کامل یا کل مطلبی در ذهن تداعی می‌شود؛ ثالثاً در تلمیح ایجاز هست، یعنی معانی بسیار در کمترین الفاظ آورده می‌شود» (وحیدیان کامکار، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۸) اگر از دیدگاه بینامتنی به قطعات انوری و تأثیر آیات و احادیث در آنها بنگریم، تلمیح یکی از گونه‌های اشارات ضمنی بینامتنی در قطعات انوری به شمار می‌آید. بر اساس نظریه بینامتنیت هر متن واگویی‌ای از متون پیش از خود است. رولان بارت در این باره می‌گوید «هر متن، بافت جدیدی است از نکات و اشارات قدیمی». (مقدادی، ۱۳۷۸، ۱۱۷) بر اساس این نظریه انوری با استفاده از تلمیح به آیات قرآن کریم و احادیث و روایات اهل‌بیت (ع) علاوه بر غنی کردن نقش خیال‌انگیزی اشعار خود، از ظرفیت معناآفرینی تلمیح که بار معنایی آیات و احادیث و گفتارهای مذهبی را در اشعار منعکس نموده، بهره برده و با اشارات آشکار بینامتنی موجب ارتباط و پیوند مخاطب با متون مذهبی ماقبل خود شده است. مصادیق تلمیح در قطعات انوری در موارد زیر انعکاس یافته است:

تلمیح به معجزه پیامبر مکرم اسلام

جرم ماه از اشارت جدش هم به دو نیمه گشت و هم یک لخت (۶/۳۲)
تلمیح به معجزه پیامبر گرامی اسلام که حضرت با انگشت خود به ماه اشاره نمود و ماه دو نیم شد که در آیات اول و دوم سوره «ق» به آن اشاره شده است.

تلمیح به داستان خلقت انسان از خاک

نه که خود آدم به ذکر تو تقرب می‌نمود چون صور بخش هیولی خاک آدم می‌سرشت (۴/۱۲۵)
«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد (السجده: ۷) تلمیح به سرشتن خاک آدم و اشاره به خلقت انسان از خاک در آیات متعدد از جمله: (انعام: ۲) (ص: ۷۱) (سجده: ۷) به آن اشاره شده و انوری در بیت زیر با به‌کاربردن اصطلاح فلسفی صورت‌بخش هیولی که استعاره از

خداوند است و «نزد حکما چیزی است که صورت‌ها را به طور مطلق می‌پذیرد بدون تخصیص به صورتی معین» (دهخدا) به داستان آفرینش انسان از خاک اشاره کرده است.

تلمیح به فرمان فرشته ملک‌الموت

ملک‌الموت کوفته دارد اندر آن دارویی که آمیزد (۴/۱۸۱)
 «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» بگو فرشته مرگی که بر شما گمارده شده جانتان را می‌ستاند آنگاه به‌سوی پروردگارتان بازگردانیده می‌شوید (السجده: ۱۱)
 تلمیح به ستاندن جان آدمیان توسط فرشته ملک‌الموت که مأمور قبض روح است و جان آدمیان را گرفته و به‌سوی خداوند بازمی‌گرداند و در آیات متعدد در قرآن به آن اشاره شده است. انوری در تلمیحی آمیخته به طنز در ابیات (۲/۱۳۵)، (۱/۱۶۵)، (۴/۱۸۱)، (۴/۲۳۲) به این موضوع اشاره کرده و انتقاد خود را به نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌های جامعه با تمسک به آیات قرآن بیان می‌کند.

- تلمیح به معراج پیامبر (ص)

شهسوار سر اسری در شبی هفت‌آسمان بر براق تیز تک ره چون بپیمود و برید (۷/۲۶۱)
 «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به‌سوی مسجدالاقصی که پیرامون آن را برکت داده‌ایم سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست (الإسراء ۱) حضرت محمد (ص) از زمین به آسمان، معراج کرد. او در این سفر سوار اسبی به نام «براق» بود. برخی به‌جای براق، «رُفَرَف» گفته و آن را تختی دانسته‌اند که حضرت رسول در شب معراج بر آن نشست. معراج در شب اتفاق افتاد و در آن شب همهٔ انبیاء و ملائک در تجلیل و تکریم پیغمبر کوشیدند (شمیسا، ۱۳۷۱: ۵۲۶)

تلمیح به احادیث پیامبر (ص) و ذکر اسماء‌الهی

بخت را دانی که یارد کرد حی لاینام اعتکاف سدهٔ درگاه حی لایموت (۴/۱۳۴)

ای به حق بخت تو حی لاینام بادی اندر حفظ حی لایموت (۹/۱۳۶)

انوری در بیت‌های فوق با تلمیح به احادیثی که نام‌های خدای تعالی در آنها ذکر شده بر زیبایی تصاویر شاعرانه و اثرگذاری سخن خود بر مخاطب افزوده است. از دیگر منابعی که انوری در تلمیحات خود از آن در خلق تصاویر شاعرانه و خیال‌انگیزتر کردن و غنی‌تر ساختن این تصاویر جهت اثرگذاری بیشتر بر مخاطب بهره‌مند شده است، داستان‌های پیامبران است. تنوع تلمیح به داستان پیامبران در شعر انوری ناشی از وسعت اطلاعات وی و تنوع مضامین شعری و قدرت

تصویرسازی اوست. باید اذعان کرد که انوری به‌خوبی با آموزه‌های اسلامی و حوادث دینی و تاریخی و حیات پیامبران آشنا بوده و در بسیاری از قطعات از داستان پیامبران برای بیان مفاهیم و مقاصد خود در جهت انتقادهای سیاسی و اجتماعی و نیز مدح ممدوحان برای دریافت صله بهره‌مند شده است. انوری اگرچه به مذهب تسنن گرایش داشته و در اشعار خود خلفای راشدین را ستوده اما به پیامبر (ص) و علی (ع) نیز مهر ورزیده و در شعر خود به داستان کربلا نیز اشاره کرده است. وی در قطعه (۶/۳۹۸) به سختی‌ها و مصایب فراوان ماجرای کربلا اشاره داشته و با بیانی مبالغه آمیز اندوه و محنت خود را در حادثه‌ای که بر زین الدین عبدالله (که از ممدوحان وی بوده) وارد شده بسی افزون‌تر از حزن و اندوه واقعی کربلا می‌داند. داستان‌های حضرت آدم و رانده‌شدن ایشان از بهشت، حضرت ابراهیم و ذبح اسماعیل، موسی و فرعون، سلیمان و داود، یعقوب پیامبر و یوسف، داستان ناقة صالح، ادريس پیامبر، الیاس و داستان آصف بن برخیا از جمله داستان‌هایی است که انوری در خلق تصاویر شاعرانه خود به آنها تمسک نموده است.

تلمیح به داستان الیاس

«خضر و الیاس» نام دو پیغمبر است که غالباً در متون ادبی همراه با هم نام برده می‌شوند. نام الیاس در قرآن یک‌بار در سوره (انعام: ۸۵) و دیگر بار در سوره (الصافات: ۱۲۳) آمده است. همراهی خضر با الیاس، نجات گمشدگان و راهنمایی آنها، دست‌یافتن به چشمه آب زندگانی و برخورداری از عمر جاودان، همگامی و همراهی موسی با خضر و بهره‌مندی از علم لدنی و دانش خدایی از جاذبه‌های داستانی زندگی خضر و الیاس است که پیوسته مورد توجه شاعران قرار گرفته است. انوری در بیت زیر در ستایش ممدوح و استدعای برخورداری از عمر و دولت جاودان برای وی از خداوند می‌خواهد که عنان دولت ممدوحش در دست الیاس و خضر، همواره و جاودانه باشد.

ز بهر حفظ جانت را به هر جایی که بخرامی عنان دولت در دست الیاس و خضر بادا (۷/۸)

تلمیح به داستان نوح

داستان نوح در قطعات انوری در ابیات متعددی دست‌مایه‌ی وی برای مفاهیمی چون مدح ممدوحان و شکایت از دنیا، طنز و... شده و برای تبیین این مفاهیم از شیوه‌های بیانی مانند تشبیه و استعاره استفاده کرده است. انوری در قطعه‌ای که در شکایت از دنیا سروده روزگاری را که در آن بنیان علم و ادب و فضیلت ریشه‌کن شده، نیازمند طوفان رهاننده‌ای می‌داند که همچون طوفان نوح داعی و منجی این روزگار باشد.

خاک را طوفان اگر غسلی دهد وقت آمدست ای دریغا داعی چون نوح طوفانی کجاست (۵/۳۵)

انوری در بیت (۵/۵۶) در بیان رنج و اندوهی که در این غم آشیان دنیا متحمل می‌شود غم را به طوفانی تشبیه کرده که گرداگرد او را احاطه کرده و از ممدوح خود می‌خواهد که برای نجات از این طوفان غم او را به کشتی نوح برساند:

به کشتی نوحم رسان هین که غم چو طوفان به گردم فراز آمدست (۵/۵۶)
و در (۱۱/۸۷) به کشتی نوح اشاره کرده و در بیان اندیشه خودبا استفاده از آرایه‌های تشبیه و لف و نشر تنها راه ایمن شدن از حوادث و بلایای روزگار را حمایت و دستگیری صاحب جمال‌الدین محمد (از ممدوحان انوری) از خود می‌داند که همچون کشتی نوح از انوری در برابر ناملایمات روزگار که چون طوفان زندگی او را احاطه کرده اند، محافظت می‌کند.
بجز حمایتش از حادثات امان ندهد که این چو کشتی نوحست و او چو طوفانست (۱۱/۸۷)
در (۲/۲۶۱) اسب پیر و فرتوتی را مذمت کرده و با هنرنمایی خاص شاعرانه خود در مناظره‌ای طنزگونه به کنایه، این اسب را متعلق به کشتی نوح و یادگار نوح پیغمبر می‌نامد:

مرکب میمون ادام الله توفیقه که هست یادگار نوح پیغمبر که در کشتی کشید (۲/۲۶۱)

- تلمیح به داستان یوسف پیامبر

داستان یوسف از جمله داستان‌های قرآنی است که از دیرباز در ادب فارسی تأثیرگذار بوده و جنبه‌های گوناگون آن دست‌مایه ابداع مضامین شاعرانه قرار گرفته است. در قطعات انوری در بیت (۱۱/۴۷۸) به داستان فرمانروایی و پادشاهی یوسف در مصر و بی‌اطلاعی و بی‌خبری وی از کنعانیان و کنعانی بودن یوسف اشاره می‌کند.

ملک مصر چه باید که ز اهل کنعان بی‌خبر باشد خاصه که بود کنعانی (۱۱/۴۷۸)
در (۱۲/۷) به داستان یوسف و زلیخا اشاره کرده است در (۷/۹۱) در تشبیهی که به کاربرده فردی به نام امیر یوسف را یوسف زمانه نامیده و با تلمیح به داستان گرفتارشدن یوسف در چاه از گرفتارشدن دل خود در چاه انتظار شکایت می‌کند و از امیر یوسف می‌خواهد که با عطا و بخشش خود به این انتظار پایان دهد. به نظر می‌رسد در این بیت تناسب الفاظ و هم‌نامی ممدوح با یوسف انوری را به صرافت طرح داستان یوسف انداخته است. همچنین انوری در این بیت از آرایه تشبیه مضمّر در آراستن سخن خود بهره برده است.

گر تویی یوسف زمانه چرا دل من ز انتظار در چاهست (۷/۹۱)
در بیت (۲/۳۹۲) با توجه به الفاظ و معانی بیت بعد به داستان روشن شدن چشم یعقوب که در اثر فراق و جدایی از یوسف نابینا شده بود، و چون عطر پیراهن یوسف به مشام یعقوب رسید، چشم او شفا یافت اشاره کرده است. در قرآن کریم سوره یوسف آیه ۹۳ از قول یوسف به برادران می‌فرماید: «ذَهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَ أَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ» این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد و همه کسان خود را نزد من بیاورید

(یوسف: ۹۳) انوری در بیت اول با استفاده از تشبیه مضمّر و دور کردن ارتباط بین مشبه و مشبه، زیبایی و ظرافت خاصی به سخن خود بخشیده است و در بیت بعد با ایجاد تناسب در الفاظ یعقوب، بوی پیراهن و نسیم، تلمیح به داستان روشن شدن چشم یعقوب را در ذهن مخاطب متبادر می نماید.

ای پایه دانش از دلت عالی
وی دیده بخشش از کفت روشن (۲/۳۹۲)
آمال و نسیم و بوی خلق تو
یعقوب و نسیم و بوی پیراهن (۳/۳۹۲)

تلمیح به داستان موسی و فرعون

حضرت موسی (ع) ملقب به کلیم الله از پیامبران اولوالعزم و صاحب کتاب و شریعت است. گستردگی رویدادهای دوره حیات و تنوع ابعاد شخصیتی حضرت موسی (ع) در قرآن سبب شده که داستان های زندگی ایشان حضور منبسط و نقش آفرینی در آثار سرایندگان فارسی زبان داشته باشد. انوری نیز در قطعات خود برای طرح هنرمندانه اشعارش از وقایع متعدد حیات حضرت موسی (ع) بهره مند و متأثر شده است. اشاره به مقابله حضرت موسی با سحر و ساحران، اشاره به معجزه ید بیضاء حضرت موسی، اشاره به شبانی موسی برای حضرت شعیب، اشاره به هم سخنی حضرت موسی با خداوند و لقب موسی کلیم الله، اشاره به عذاب الیم فرعون و فرعونیان از جنبه موارد تلمیحات مرتبط به داستان زندگی حضرت موسی است که در قطعات انوری نمود داشته است. انوری در (۱۵/۳۳۵) شعر خود را سحر نامیده و بیان می کند که به دلیل سحر بودن نمی تواند آن را به عنوان تحفه برای موسی عمران بفرستد. در این قطعه قاضی حمید الدین بلخی که از شاعران معاصر و دوستان انوری بوده، به موسی عمران و شعر انوری به سحر تشبیه شده است. در قرآن کریم در سوره اعراف ذیل آیات (۱۲۰-۱۱۲) و نیز سوره طه ذیل آیات (۷۳-۵۶) به داستان ساحران و عصا افکندن آنان نزد موسی و مغلوب شدن ساحران در برابر حضرت موسی (ع) اشاره شده است.

نه شعرست سحرست از آن می نیارم که نزدیک موسی عمران فرستم (۱۵/۳۳۵)
انوری در بیت زیر درخشندگی و تلالؤ میکند را در تلمیحی مبالغه آمیز به ید بیضاء موسی کلیم الله تشبیه کرده که گیتی به واسطه آن منور و تابناک شده است.

ای ز نور شراب خانه تو روی آفاق همچو دست کلیم (۱/۳۷۶)

«دیگر از معجزات موسی این بود که چون دست راست به گریبان می کرد و بیرون می آورد، نور سفیدی از آن می تافت و پنجه اش نورانی می شد. این معجزه به ید بیضاء معروف است» (شمیسا: ۱۳۷۱، ۵۶۰) اشاره به کلیم الله بودن موسی و نیز شبانی وی در بیت زیر از قطعات انوری

نمود یافته است. انوری از این تلمیح با همانندسازی احوال و اعمال ممدوحش در ستایش وی، بهره جسته است.

ای کرده کلیم‌وار عدلت آبان خدای را شبانی (۲/۴۷۵)

خداوند در قرآن کریم ذیل سوره (اعراف: ۱۴۴) به هم سخنی خود با موسی (ع) اشاره کرده است. از دیگر تلمیحات انعکاس یافته در شعر انوری تلمیح به داستان فرعون و عذاب الهی فرعونیان است که در آیه (۴۶ سوره غافر) به آن اشاره شده است. انوری در قطعه ای که با مضمون پند و موعظه در ترک طلب علم سروده است، اقرار بر علم واطلاع خود از رویدادها و احوال زندگی موسی (ع) را گواه می گیرد تا تأییدی بر صحت گفته های وی باشد و مخاطب را به پذیرش ادعای خود وادار سازد.

فرعون و عذاب ابد و ریش مرصع موسی کلیم‌الله و چوبی و شبانی (۵/۴۷۷)

قرآن در سوره غافر آیه ۴۶ به فرعونیان انذار می‌دهد که: «هر صبح و شام بر آتش عرضه می شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود [فریاد می رسد که] فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب درآورد» (غافر: ۴۶)

- تلمیح به داستان حضرت ابراهیم و ذبح اسماعیل

حضرت ابراهیم (ع) از انبیاء عظام الهی و از پیامبران اولوالعزم و پدر حضرت اسماعیل است که خداوند در کلام مجیدش به بهترین وجهی او را ثنا گفته است. توحید ابراهیم، افکنده شدن در آتش و گذشتن از آن، قربانی کردن فرزند، زنده کردن مرغان، بت‌شکنی و ساختن بنای کعبه از اجزای حکایت‌های زندگی ابراهیم است که شاعران تصاویر شعری خود را از آن‌ها وام گرفته‌اند. انوری در ابیات (۸/۱۲۶) و (۶/۲۶۱) به داستان ذبح حضرت اسمعیل اشاره کرده است و در این اشارات از آیه: وَقَدْ يَنَافُ بِذِيحٍ عَظِيمٍ و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهنیدیم (صافات: ۱۰۷) متأثر شده است.

- داستان‌های حضرت آدم (ع)

«آدم» نخستین انسان و نخستین پدر (ابوالبشر، بوالبشر، پدر) و نخستین پیامبر است (شمیسا، ۶۵، ۱۳۷۱). آموختن اسماء به آدم، سجده فرشتگان بر او و خودداری ابلیس از سجده کردن، سکونت آدم و همسرش در بهشت، فریب خوردن ایشان از ابلیس و خوردن میوه ممنوعه، توبه ایشان به درگاه الهی و رانده شدنشان از بهشت و هبوط به زمین از شالوده‌های اصلی داستان آدم (ع) است که شاعران و نویسندگان همواره در خلق آثار ادبی خود از آن متأثر شده‌اند.

گر نباشد آنچه اسمعیل را زو بد خلاص زان بنگریزم که آدم را برون کرد از بهشت (۸/۱۲۶)

انوری در مصرع دوم به رانده شدن آدم از بهشت اشاره کرده و این موضوع اولین بار در آیات ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره بیان گردیده است. همچنین در آیات ۱۹ تا ۲۷ سوره اعراف و آیات ۱۱۵ تا

۱۲۴ سوره طه به این داستان اشاره شده است. انوری در بیت های (۲/۲۹۲) و (۳/۲۹۲) در ضمن هجو فردی به نام صلاح صالحی که با مکر و تلبیس آدمیان را اغفال می کند، به فریب خوردن آدم و حوا از ابلیس اشاره کرده است. در بیت زیر انوری تعلیم اسماء به آدم از طرف خداوند و نیز اشاره به طبایع چهارگانه در وجود انسان را به تصویر کشیده است. در کتاب مرصادالعباد نجم‌الدین رازی در این باره آمده است «و چنانکه در عالم کبری چهار فصل بود، بهار و خریف و تابستان و زمستان در آدم که عالم صغری است چهار طبع بود: حرارت و برودت و رطوبت و بیبوست (ریاحی، ۱۳۹۱: ۷۶)

ای برادر نسل آدم را خدای از روی لطف نام‌ها دادست پیش از تروخشک و گرم‌وسرد (۱/۱۶۴) و در قرآن ذیل سوره بقره به این لطف الهی بر انسان اشاره شده است: وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی اینها به من خبر دهید (البقره: ۳۱).

- تلمیح به داستان ادریس

«ادریس» از پیغمبران بنی اسرائیل که ظاهراً همان «ایناخ» مذکور در تورات است و برخی او را همان هرمس یونانیان دانسته‌اند. علم نجوم از معجزات اوست و از طوفان نوح خبر داد، علم حساب و رمل را نیز از اختراعات او نوشته‌اند. ادریس در اساطیر سامی نخستین کسی است که خیاطی کرد و جامه دوخت» (شمیسا، ۱۳۷۱، ۹۷) نام ادریس در قرآن دو بار در سوره‌های (انبیاء آیه ۸۵) و (مریم آیه ۶۵) آمده است.

در تن مراست کهنه قبایی که پاره‌اش دارد ز بخیه‌کاری ادریس یادگار (۲/۲۶۳) انوری در این بیت از بزرگی درخواست قبا کرده و در وصف قبای مندرس خود کهنگی و دیرینگی آن را با مبالغه و افراط، و تلمیح به خصلت خاص ادریس و جامه دوختن او، به زمان ادریس نسبت می‌دهد و در بیت بعد برای اثرگذاری و تأکید بیشتر بر مخاطب خود، جهت دریافت قبا، قدمت جامه خود را حتی به زمان پیش از ادریس و زمان حضرت آدم نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که آدم با دست خود پنبه آن را کاشته و حوا تاروپود آن را رشته است.

- تلمیح به داستان صالح

«در قرآن حضرت صالح (ع) پیام‌آور خداوند بر قوم ثمود است. پیامبری که نه تنها او را اطاعت نکردند؛ بلکه در پی آزار و اذیتش نیز برآمدند. در قرآن در سوره اعراف، هود، شعرا، نحل، قمر و شمس به زندگی او و قومش اشاره شده است. دعوت قوم ثمود به خدای یگانه، معجزه صالح در بیرون آوردن ناقه، و ستیزه‌گری قوم و پی کردن ناقه، برخی حوادث عمده زندگی اوست» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۳۳) در بیت زیر انوری به داستان ناقه صالح اشاره کرده است.

حال آدم گوی و نوح و قصه ذبح خلیل
داستان پی کردن ناقه صالح در قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۷۷ ذکر شده است.

- تلمیح به داستان آصف بن برخیا

«آصف بن برخیا اسم وزیر حضرت سلیمان است که به خرد و رأی مشهور است و او بود که دیو را از سلیمان باز شناخت» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۷۴). انوری در بیت (۳/۴۲۳) ضمن برتر دانستن و تکریم منزلت و مرتبه ممدوح خود از مرتبه آصف و جم به داستان انگشتی سلیمان اشاره کرده و بیان می‌کند که ستارگان انگشتی سلیمان را که نماد حکومت و قدرت او بوده به عنوان هدیه و پیشکش برای او آورده‌اند.

ستارگان ز یمین و یسار آصف و جم
همچنین در بیت (۱/۳۷۶) از علم و حکمت و خرد و تدبیر آصف سخن گفته و در بیت (۱/۴۷۸) دوران حکومت و پادشاهی ملک‌شاه را به دوره پادشاهی و سلطنت سلیمان و خواجه نظام الملک وزیر مدبر سلطان محمد ملک‌شاه را به آصف بن برخیا وزیر و مشاور سلیمان تشبیه کرده و از فقر و تنگدستی خود در چنین روزگاری شکایت می‌کند.

- تلمیح به داستان سلیمان

سلیمان پسر داود و از انبیاء بزرگ بنی اسرائیل بوده است. در قرآن در سوره (النساء: ۱۶۳) به پیامبر بودن او اشاره شده است. نام ایشان ۱۷ بار در قرآن آمده است. بهره‌مندی از علم و حکمت (انبیاء: ۷۹)، (النمل: ۱۵)، تسلط بر تمام جن و انس و جانوران مختلف (النمل: ۱۷)، (ص: ۲۸) و ۲۷، فهم زبان مرغان (النمل: ۱۶) و در فرمان داشتن باد (الانبیاء: ۸۱)، (سبأ: ۱۲)، (ص: ۲۶) از ویژگی‌هایی است که قرآن برای این نبی الهی بیان داشته و این ویژگی‌ها در نگارش متون ادبی مورد توجه نویسندگان این متون بوده است. داستان‌های زندگی این پیامبر بزرگ الهی در ابیات (۷/۴۰)، (۱۸/۱۵۰)، (۱۴/۱۵۵)، (۱۸/۱۵۵)، (۲/۲۵۵)، (۴/۳۳۵)، (۵/۴۴۸) و (۱/۴۷۸) از قطعات انوری نمود یافته است. انوری در قطعه (۷/۴۰) که به شیوه مناظره، بین دو فرد زیرک و ابله سروده با نکته‌سنجی و تیز فهمی به نقد مسائل اجتماعی و سیاسی و معضلات جامعه پرداخته و با دیدی روشن به مسأله ظلم و بیداد حاکمان جامعه نگریسته است و در مذمت نیازخواهی و گدایی، حاکم شهر را همچون گدای ثروتمندی می‌داند که دست تپاول به سوی مردم نیازمند و تهدیدست دراز کرده است و با تلمیح به قدرت و حکومت بینظیر و بسیار وسیع حضرت سلیمان و مواهب عظیمی که خداوند به ایشان عطا فرموده بود و گنج و ثروت قارون، خواهندگی را از جانب هر فردی که باشد مورد سرزنش و نکوهش قرار می‌دهد.

در (۱۸/۱۵۰) به مسلط بودن و فرمانروایی سلیمان بر تمام جن و انس اشاره کرده است و در (۲/۲۵۵) در ستایش ممدوح با بیان نوید ملک سلیمان و عمر نوح به وی از جانب خداوند که

نمود عنایت و تفضل جود الهی نسبت به اوست، به وسعت قلمرو و استیلای حکومت و قدرتی که واهب کل به سلیمان عطا کرده اشاره می کند.

در (۴/۳۳۵) و (۱۸/۱۵۵) به داستان پای ملخ بردن مور نزد سلیمان اشاره کرده است. این داستان در قصص و تفاسیر وارد شده و اصلی غیر قرآنی دارد و به نظر می رسد که از طریق اسرائیلیات وارد قصص و تفاسیر اسلامی شده و در قدیمی ترین متون قصص الانبیاء و تفاسیر مثل تفسیر طبری وجود دارد اما تأثیر آن در ادب فارسی موجب خلق مضمون ها و تصویر های زیبایی شده است. انوری درقطعه (۴/۳۳۵) که با موضوع مدح و ستایش قاضی حمیدالدین سروده، با تلمیح به این داستان که در ادب فارسی به قلمرو امثال و حکم راه یافته، شعری را که می خواهد به رسم هدیه به حضور قاضی حمیدالدین بفرستد به پای ملخ و ممدوحش را به سلیمان تشبیه کرده و با بهره جستن از این تمثیل به لطف و رسایی کلام خود فروزه است و نیز در (۱۸/۱۵۵) که در مدح ترکان خاتون سروده، از سلیمان و مور و پای ملخ نام برده و از تصویرسازی تمثیلی در القای بهتر مفاهیم و صور ذهنی خود برای ستایش ممدوحش بهره مند شده است.

- تلمیح به داستان داود

«داود (ع)» از پیامبران بنی اسرائیل که یازدهمین پشت یعقوب و پدر سلیمان است. کتاب آسمانی او زبور یا مزامیر نام دارد. از داود ۱۵ بار در قرآن یاد شده است. داود به خوش آوازی معروف است. خلافت داود، مبارزه با جالوت، زره سازی، زنجیر عدالت داود، اشک داود، نقل برخی احادیث قدسی از زبان او، آزمون داود و مناجات او با حضرت حق از جاذبه های برجسته زندگی داود (ع) است، که در عرصه زبان و ادب فارسی و آثار نویسندگان آن مؤثر بوده است. انوری در بیت زیر ضمن تلمیح به لحن و آوای خوش داود از آرایه تشبیه در توصیف ترکان خاتون برای پروراندن مقصود و جلب توجه ممدوح استفاده کرده و وی را به بلقیس همسر سلیمان و ملکه سبا تشبیه کرده است.

ای سلیمان عهد را بلقیس کس به داود لحن نای آرد (۱۴/۱۵۵)

۲- اثر پذیری ساختاری و واژگانی

از دیگر انواع تأثیرپذیری انوری از قرآن تأثیرپذیری ساختاری است. بسیاری از قطعات انوری همچون قرآن کریم با قسم شروع می شود در قرآن کریم سوره هایی نظیر «تکویر» «عادیات» «تین» «عصر» و... با قسم شروع می شود و بسیاری از قطعات انوری نیز به تاسی از قرآن کریم با قسم شروع می شود.

(۱/۳۳)، (۱/۴۲)، (۱/۴۸)، (۱/۵۱)، (۱/۵۲)، (۱/۵۷)، (۱/۵۸)، (۱/۶۱)، (۱/۹۸)، (۱/۱۲۲)، (۱/۱۵۳)، (۱/۱۶۶)، (۱/۱۶۹)، (۱/۱۷۰)، (۱/۱۸۰)، (۱/۱۸۵)، (۱/۲۲۰)، (۱/۲۵۷)، (۱/۲۸۰)

(۱/۳۰۰)، (۱/۲۴۰)، (۱/۳۶۰)، (۱/۳۶۶)، (۱/۳۶۹)، (۱/۴۰۱)، (۱/۴۵۳)، (۱/۴۷۱) در بیت‌های زیر انوری با زبان ساده و شیوا و بهره‌مندی از آیات قرآن کریم صور خیال دل‌انگیزی آفریده و علاوه بر سوگندهایی که به صفات خداوند ذکر می‌کند خداوند را به بهترین وجه وصف می‌نماید:

به خدایی که در عالم غیب عالم السر و الخفیات است (۱/۴۲)

به خدایی که از کمان قضا تیر تقدیر را روان کردست (۱/۴۸)

انوری در بیت‌های (۱/۵۱)، (۱/۱۶۹)، (۱/۱۸۰)، (۱/۴۰۱)، (۱/۴۵۳) نیز با سوگند به صفات خداوند تصاویر زیبایی از صفات خداوند خلق کرده است.

اثرپذیری واژگانی با خاستگاه قرآنی از دیگر شیوه‌هایی است که انوری در قطعات خود از آن تأثیر پذیرفته است. «در این شیوه شاعر پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها را از قرآن می‌گیرد، یعنی اصل و اساس این واژه‌ها از قرآن است» (راست‌گو؛ ۱۶، ۱۳۸۳) واژه‌های جبرئیل، روح، دخان، نفخ، صور، قیامت، بهشت، عرش، طوبی، کوثر، رضوان، الست، ملک‌الموت، حشر، کعبه، یوم‌الحساب، عقاب و... از واژگانی هستند که اصل و اساس آنها از قرآن است و در قطعات انوری به کار رفته است. در بررسی قطعات انوری واژگان حشر، کعبه، یوم‌الحساب، عقاب بیشترین بسامد را در قطعات وی دارند که در سطور ذیل به چگونگی اثرپذیری انوری از آنها می‌پردازیم:

حشر: واژه حشر یکی از اسامی قیامت است و در آیات متعددی حشر به معنای زنده کردن مردگان در قیامت آمده است. «حشر همچنین نام پنجاه و نهمین سوره قرآن است. اعتقاد به حساب روز قیامت و حشر از اعتقادات قطعی مسلمانان است و انوری نیز به مثابه یک مسلمان به آن باور دارد و در قطعات خود یازده بار از این واژه در معنای روز قیامت به شکل‌های زیر استفاده کرده است: حشر (۵/۱۷)، (۳۷/۸۶)، (۵/۳۸۲)، (۳/۳۹۲)، (۳/۴۵۷) فردای حشر (۱۳/۹۱)، روز حشر (۶/۱۳۲)، (۶/۴۰۱)، (۷/۴۶۵) زمان حشر (۶/۱۵۹) میزان حشر (۴/۲۱۸).

عقاب: «کلمه عقاب به معنی شکنجه و پاداش بدی آمده است و گویند آن محنت و عذابی است که به دنبال ارتکاب گناه در آخرت دامن‌گیر انسان می‌شود. ضد ثواب» (دهخدا) این کلمه در قرآن در سوره‌های: (۳۸، آیه ۱۴)، (۱۳، آیه ۳۲)، (۴۰، آیه ۵)، (۷، آیه ۱۶۷)، (۵۹، آیه ۴)، (۴۰، آیه ۲۲) و... به کار رفته است. انوری در بیت (۱/۱۰) به تقدم ثواب بر عقاب اشاره کرد است. همان‌گونه که روایات و ادعیه زیادی است که در آنها سخن از سبقت رحمت خداوند بر غضب الهی است.

یوم‌الحساب: یکی از نام‌های قیامت است که در قرآن به آن اشاره شده است. یعنی روز حساب و بازخواست الهی که هر مکلفی نتیجه اعمال و افعال خویش را خواهد دید. یوم‌الحساب در قرآن در سوره‌های (ص: ۵۳)، (۱۴، آیه ۴۱)، (۴۰، آیه ۲۷)، (۴۰، آیه ۱۷)، (۳۸، آیه ۵۳) آمده است. انوری نیز که مسلمان است به مقوله معاد و یوم‌الحساب رویکردی خاص داشته و به اسلام و عنصرهای

سازنده‌اش باور دارد و از قرآن و احادیث به صورت‌های مختلف و برای اهداف متفاوتی استفاده می‌کند. چه‌بسا که برخی از اینها را بتوان با مسائل اجتماعی مرتبط دانست. مثلاً در بیت‌های زیر او ستمکاران را از یوم‌الحساب می‌ترساند و به آنان یادآور می‌شود که عقابی در کار هست.

در مستی از ز بنده خطایی پدید شد مست از خطا نگردد واجب عقاب را (۲/۱۰)

گر در گذاری از تو نباشد بسی دریغ امید رستگاری یوم‌الحساب را (۳/۱۰)

کعبه: کعبه مهم‌ترین و مقدس‌ترین عبادت گاه اسلامی و نخستین خانه‌ای است که برای عبادت مردمان نهاده شد. نام‌های دیگر کعبه در قرآن؛ بیت‌الله، البیت، البیت‌الحرام، البیت‌العتیق، و البیت‌المحرم است. نام کعبه دو بار در قرآن (سوره مائده) آمده است. بیشترین تصویر از سیمای کعبه در قطعات انوری در هیأت تشبیه به‌کاررفته است. در قطعه ۱۲۳ در مدح زین‌الدین عبدالله با سوگند یادکردن به نام خدایی که کعبه خانه اوست کعبه را بدون وجود ممدوحش همچون کنشت می‌داند و با استفاده از تمثیل کعبه را به بهشتی تشبیه کرده که رؤیه الله بر آن بهشت مقدم است و زیارت و دیدار زین‌الدین را می‌طلبد:

به خدایی که کعبه خانه اوست که بود کعبه بی توام چو کنشت (۶/۱۲۲)

می‌زبان اول، آنگهی خانه رؤیسه الله نخست باز بهشت (۷/۱۲۲)

در کعبه به‌ویژه حلقه در آن مورد توجه انوری بوده و در (۴/۲۶۵) با توسل به حلقه در کعبه برای استواری و پاینده بودن دولت و عمر ممدوح خود دعا می‌کند. در (۴/۱۲۴) در مذمت فردی با خلق ترکیب کعبه سخن، سخن خود را به کعبه تشبیه کرده و ذکر نام فرد مذمت شده را در کعبه سخن خود آن‌چنان ناخوشایند و قبیح می‌داند که یقین دارد که حتی در صومعه نیز هیچ کافری نام او را نمی‌برد در بیت‌های (۹/۲۶۵)، (۲/۱۲۵)، در معنای لفظ کلمه به‌کاررفته است. در (۳/۲۶۶) عظمت و شکوه ممدوح خود را به کعبه جلال تشبیه کرده و عذر تقصیر نرفتن به حضور ممدوح را با بزرگواری و عظمت مرتبت ممدوح که همچون کعبه صاحب شکوه و هیبت است توجیه می‌کند. در (۱/۴۶۲) با درون‌مایه هجا، خوان‌خواجه را به کعبه‌ای تشبیه کرده که رسیدن به آن جز با سختی و مشقت میسر نمی‌شود.

در (۱۰/۲۱۸) و (۶/۴۲۳) با استفاده از تشبیه مضمّر ممدوح خود را به کعبه تشبیه کرده و مشبه را هم پایه مشبه قرار می‌دهد و مقامی برابر برای آن دو قائل می‌شود. و در هر دو بیت اعتقاد دارد که مرتبت و منزلت ممدوح او جایگاهی بس رفیع دارد و ارزش‌های صوری در ترفیع این جایگاه کارگر نمی‌افتد. در (۵/۳۸۶) نیز در مرثیه‌ای که در فراق ممدوحش سروده در تشبیه مضمّر دیگری ممدوح را به کعبه‌ای تشبیه کرده که با وجود آن که با دل و جان او را می‌جوید از زیارت او عاجز و مستاصل شده است. در (۵/۳۸۲) اسلام را به کعبه‌ای تشبیه کرده که به واسطه

وجود مبارک پیامبر تا روز حشر آباد و معمور خواهد بود. بیشترین تأثیرپذیری انوری از کعبه برای توصیف ممدوح و زیبایی و آراستگی کلامش، در قالب تشبیه بیان شده است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیرپذیری انوری از آیات و احادیث در قطعات باتوجه‌به نمونه‌های فراوانی که ذکر شد، قطعی است و این اثرپذیری بیش از هر چیز این نکته را تأیید و اثبات می‌کند که، انوری بر علوم قرآنی به ویژه تفسیر و حدیث اشراف داشته و نیک برآن آگاه بوده است و از آیات و احادیث به انواع گوناگون استفاده کرده است. وی در بهره‌گیری از قرآن و حدیث اولاً مطابق معمول زمانه خویش رفتار کرده و ثانیاً به دلیل زبان و بیان هنرمندانه‌اش کاملاً مقلد نمانده و در مواردی این روش میان متنی را توسعه داده است. براساس نتایج به دست آمده در این تحقیق وی از آیات قرآن کریم بیش از احادیث در قطعاتش بهره برده است. اشراف انوری به مقولات و آیات قرآنی به‌گونه‌ای است که گاه در چند بیت متوالی از آیات قرآن و احادیث بهره برده و به هنرنمایی پرداخته است. مانند ابیات (۵،۶،۷) در قطعه ۴ که به ترتیب به آیات ۱۳ سوره سجده در بیت ۵ و سپس به آیه ۶۱ سوره الاسراء و در بیت ۷ به سوره عنکبوت آیه ۶۹ اشاره کرده است. و گاه در یک بیت به دو آیه اشاره کرده مانند قطعه (۲/۳۹۸) که در هر مصرع به یک آیه اشاره شده است:

نور رای تو فالق الاصباح کف و کلک تو مجمع‌البحرین (۲/۳۹۸)

«فالق الاصباح» اشاره به سوره (انعام: ۹۶) و «مجمع‌البحرین» اشاره به سوره (کهف: ۶۹) دارد. انوری همچون دیگر شاعران از آیات قرآن و احادیث برای اهداف و مقاصد خاصی چون استشهاد و استناد، تشبیه و تمثیل، تعلیل و توجیه، تبیین و توضیح، برهان و استدلال، تهدید و تحذیر تأیید و تأکید بهره برده است و بیشترین بهره‌گیری او با هدف تشبیه و توصیف ممدوح است. وی همچنین تناقض‌ها و رفتارهای نامطلوب حاکمان جامعه را با استفاده از ابزارهای ادبی و صنایع بدیعی و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی، در قالب طنز به چالش کشیده است. برای مثال در قطعه ۱۶۵ که در سرزنش و نکوهش میر طغرل سروده است به ستاندن جان‌بندگان توسط ملک‌الموت که در قرآن در (السجده: ۱۱) ذکر شده، اشاره کرده و به زبان طنز نوید رهایی‌یافتن مردم از او را توسط ملک‌الموت می‌دهد. مضمون‌آفرینی‌ها و استخراج معانی تازه از لایه‌لای آیات و روایات و تلمیحات در اشعار انوری در خور توجه و تأمل است.

چنان‌که در (۴/۱۸۱) در ذم طبییی که درحرفه خود مهارت ندارد و داروهایش مرگ‌آور است، با هنر آفرینی خلاقانه خود ترکیب بدیع «ملک الموت کوفته» را به تصویر می‌کشد. بسیاری از قطعات انوری به تاسی از قرآن با سوگند به خدا و توصیف صفات خداوند و ارائه تصاویر شاعرانه از

این صفات شروع شده است. همچنین انوری برای طرح کردن زیبایی شناختی آیات و احادیث در شعر خود از شگردهای مختلفی چون تلمیح، اقتباس، اشاره، ترجمه و تضمین استفاده کرده و اقتباس از آیات و احادیث بیشترین نمود و تضمین کمترین نمود را در قطعات وی دارد. وی علاوه بر اثرپذیری واژگانی از آیات قرآن و احادیث از صنایع شعری همچون (تشبیه، استعاره، کنایه و تمثیل) در طرح هنرمندانه آیات و احادیث در شعر خود بهره جسته و تشبیه در این طرح هنرمندانه بیشترین بخش را به خود اختصاص داده و تصاویر زیبایی بدیعی آفریده است.

تشکر و قدردانی:

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «نقد و تحلیل قطعات انوری» با کد ایرانداک ۶۰۱۹۶۷۹ می باشد.

تعارض منافع:

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

COPYRIGHTS



©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

منابع:

قرآن کریم

- انوری ابیوردی، اوحالدین (۱۳۴۰). دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، جلد ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- انوری، حسن، عالی عباس آباد، یوسف (۱۳۹۳). بلاغت بیان و بدیع، تهران، انتشارات فاطمی
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲). تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات اساطیر.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹). پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- راست گو، سید محمد (۱۳۸۳). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، سمت.
- رازی، نجم الدین (۱۳۹۱). مرصاد العباد، به اهتمام محمدمامین ریاحی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رامی تبریزی، حسن بن محمد (۱۳۴۱). حقایق الحقایق، تصحیح سیدمحمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- زواره، اسماعیل نساجی (۱۳۸۶). تأثیرپذیری ادبیات فارسی از قرآن و حدیث، ماهنامه مکتب اسلام، شماره ۳ (صص ۵۶-۶۱)
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۴). شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱). فرهنگ تلمیحات، تهران، انتشارات فردوس.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات مشهور.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی (از افلاطون تا عصر حاضر)، تهران، انتشارات فکر روز.
- وحیدیان کامکار، تقی (۱۳۸۳). بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، تهران، سمت.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، مؤسسه نشر هما.

References:

The Holy Qur'an

- Anvari Abivardi, Ohad al-Din. (1961). Divan of Anvari, edited by Mohammad Taqi Modarres Razavi, Vol. 2. Tehran: Book Translation and Publishing Bureau.[in Persian]
- Anvari, Hassan & Ali Abbas Abad, Yousef. (2014). Rhetoric of Expression and Badi'. Tehran: Fatemi Publishing.[in Persian]
- Halabi, Ali Asghar. (1993). The Influence of the Qur'an and Hadith on Persian Literature. Tehran: Asatir Publishing.[in Persian]
- Rashed Mohassel, Mohammad Reza. (2010). Rays from the Qur'an and Hadith in Persian Literature. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing.[in Persian]
- Rastgoo, Seyed Mohammad. (2004). Manifestation of the Qur'an and Hadith in Persian Poetry. Tehran: SAMT.[in Persian]
- Razi, Najm al-Din. (2012). Mersad al-Ebad, edited by Mohammad Amin Riyahi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.[in Persian]
- Rami Tabrizi, Hassan ibn Mohammad. (1962). Haqa'iq al-Hada'iq, edited by Seyed Mohammad Kazem Emam. Tehran: University of Tehran Press.[in Persian]

- Zavareh, Esmaeel Nassaji. (2007). The Influence of the Qur'an and Hadith on Persian Literature, Maktab-e-Islam Monthly, No. 3, pp. 56–61.[in Persian]
- Shahidi, Seyed Jafar. (1985). Glossary and Commentary on the Difficult Words in Anvari's Divan. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.[in Persian]
- Shamisa, Siros. (1992). A Dictionary of Allusions. Tehran: Ferdows Publishing.[in Persian]
- Sharif al-Razi, Mohammad ibn Hussein. (2000). Nahj al-Balagha, translated by Mohammad Dashti. Qom: Mashhoor Publishing.[in Persian].
- Moghaddami, Bahram. (1999). Dictionary of Literary Criticism Terms (From Plato to the Present). Tehran: Fekr-e-Rooz Publishing .[in Persian]
- Vahidiyan Kamkar, Taghi. (2004). Badi' from an Aesthetic Perspective. Tehran: SAMT.[in Persian].
- Homayi, Jalal al-Din. (1992). Rhetorical Arts and Literary Techniques. Tehran: Homa Publishing Institute.[in Persian]

